



## فهرست مطالب

۲	سخن نخست
۳	محکومیت هتک حرمت به ساحت پیامبر خوینها
۴	آسیب شناسی انقلاب
۷	طنین تفرقه
۱۱	ولایت مطلقه فقیه
۱۴	علل و عوامل شکل گیری انقلاب
۱۹	آیا سران فتنه قابل بخشش هستند؟!
۲۳	عاشقان پرواز

انتقادات، پیشنهادات و سؤالات خود را با ما در میان بگذارید.

نمبر: ۰۷۱۵۴۴۴۶۰۲۴

Email:

mohamad qahramane@ymail.com

# بسم الرحمن الرحيم

## بصیرت ظهور

فصلنامه تحلیلی-سیاسی

بسیج طلاب حضرت نرگس (ع) جهرم

سال سوم، شماره نهم، زمستان ۹۳

صاحب امتیاز:

حوزه نمایندگی ولی فقیه

مدیر مسئول:

سید علی اکبر حمزوی

سر دبیر:

عادلہ رنجبر

همکاران این دوره:

فاطمه توحیدی، سمیرا رحمانیان،

سعیده رحمانیان،

الهام رنجبر، حکیمه شعبانی

صفحه آرایی: سمیه مصلی نژاد

با تشکر از:

مسئول محترم حوزه نمایندگی

ولی فقیه در جهرم:

حجت الاسلام محمد شفیع قهرمانی

انقلاب اسلامی ۳۷ ساله می شود و این در حالی است که دشمنان این انقلاب برای نابود ساختن آن از هیچ اقدامی فرو گذار نکردند و تمام همت خود را به کار بستند و سربازان خود را در داخل و خارج کشور در آماده باش کامل قرار دادند و جنگ احزاب به راه انداختند، در هر جبهه و از هر سلاح و ابزاری استفاده کردند که این انقلاب را به زانو در آورند اما...  
عللی که تا کنون باعث ناکامی دشمنان قسم خورده ی نظام شده است را می توان در چند کلمه کلیدی خلاصه کرد: **توکل به خدا؛ ولایت فقیه؛ وحدت کلمه**.

یعنی همان سه اصلی که انقلاب ما را به پیروزی رساند؛ همان سه اصل هم باعث ماندگاری و قدرت رو به پیشرفت ما در طول این مدت با وجود همه ی طوفان های سهمگین بوده است. و این مطلبی است که دشمنان ما به خوبی آن را درک کرده است و از خطر آن به خوبی مطلع بودند. انقلاب ما صادر شد و ما شاهد اثرات و برکات روز افزون آن در جهان بودیم و این چیزی نبود که برای دشمن ما قابل هضم باشد؛ بنابراین آنچه دشمنان محور کار خود قرار دادند، از بین بردن همین سه اصل بوده است

بعد از ناکامی دشمن در جنگ سرد، آنان به جنگ نرم رو آوردند تا بدین وسیله اعتقادات مردم را تضعیف نمایند. نوک تیرهای سهمگین آنان وحدت ما را نشانه گرفته تا با اجرایی کردن سیاست کثیف **تفرقه بینداز حکومت کن**، به خواست های پلید خود دست یابند. و البته آنان خوب می دانند تا زره نفوذ ناپذیر ولایت فقیه از این کشور حفاظت می کند، هیچ یک از توطئه های آنان مثمر ثمر نخواهد بود؛ بنابراین از نظر آنان باید اصل ولایت از بین برود تا به هدف شوم خود دست یابند.

که چنین امری به حول و قوه ی الهی هرگز میسر نخواهد شد تا زمانی که مردم با سلاح بصیرت پشت زعم و رهبر خود ایستاده و با وحدت کلمه رهنمودهای امام خامنه ای (عجله) را عملیاتی می کنند تا این انقلاب را به صاحب اصلی "حضرت ولی عصر ارواحنا فداه" رسانند.  
بنیانگذار انقلاب اسلامی می فرماید:

**"پشتیبان ولایت فقیه باشید تا به مملکت شما آسیبی نرسد."**

## بسم الله الرحمن الرحيم

يُرِيدُونَ لِيُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَهِهِمْ وَ اللَّهُ مُتِمُّ نُورِهِ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ /سوره صف/ ۸

دیگر بار رخداد تلخ و ناگوار اهانت به ساحت مقدس رسول الله ﷺ، مقدس‌ترین و نورانی‌ترین چهره عالم هستی که رحمه للعالمین است، توسط **نشریه شارلی ابدو فرانسوی**، در حالی تکرار می‌شود که دستان پلید صهیونیست‌های خبیث و آمریکای جنایتکار و همه آنانی که تاب و تحمل درخشش نور اسلام ناب را در قلوب جهانیان ندارند، هویدا گردید. کاری بی‌شرمانه که قطعاً ناشی از زبونی و عجز این فرومایگان در برابر اسلام راستین بوده، تا بدین سبب عمق دشمنی و عنادشان را نسبت به اسلام و مسلمین نعره زنند.

این اقدام که در سایر کشورهای اروپایی به ظاهر آزاد که در گذشته‌های نه چندان دور نیز مسبوق به سابقه بوده است، بی شک قلب نازنین **امام زمان** و میلیاردها مسلمان که وجودشان مملو از عشق به پیامبر خوبی هاست به درد آورده است.

حرکتی که بی‌شک در ابعاد و لایه های زیرین سیاست خبیثانه‌شان قلب عالم اسلام، ایران عزیزمان را هم نشانه رفته است که این امر هوشیاری و بصیرت آحاد ملت را طلب می کند. آیا وقت آن نرسیده که اقدام جدی نسبت به هتاکین به ساحت مقدس پیامبر ﷺ صورت پذیرد و در راستای وصایای امام(ره) که فرمودند: "**اگر شما در مقابل دین ما بایستید ما در مقابل دنیای شما خواهیم ایستاد**" را سر لوحه کارهایمان قرار داده، فقط به محکومیت لفظی بسنده نکرده و اقدام جدی و عملی را نسبت به این شیاطین انجام دهیم؟! **بسیج طلاب حضرت نرگس** ضمن اعلام انزجار و محکوم کردن این اقدام موهن، بیعت دوباره خود را با آرمان های اسلام و انقلاب و رهبر مسلمین جهان حضرت آیت الله العظمی امام خامنه ای دامه را اعلام داشته، وحدت بیش از پیش مسلمانان برای دفاع از اسلام و ارزش های اسلامی خواستار است.

در پایان از مسولین درخواست مؤکد دارد که برخورد دیپلماتیک و عملی قاطع و انقلابی همسو با رهنمودهای روشنگرانه امام خامنه‌ای دامه با کشور مربوطه داشته باشد. تا دیگر به بهانه آزادی بیان به راحتی دست به چنین اعمال شرمگین و نکبت باری نزنند و ما دوباره شاهد چنین رویدادهایی نباشیم.

**بسیج طلاب حضرت نرگس**

سمیرا رحمانیان

جمهوری اسلامی یعنی نظامی که در آن، مردم سالاری از اسلام گرفته شده است و با ارزش های اسلامی همراه است. ما از این حلقه هم عبور کردیم. منظور از دولت اسلامی این است که بر اساس آنچه که در دوره ی تعیین نظام اسلامی به وجود آمد، یک قانون اساسی درست شد؛ نهادها و بنیادهای اداره ی کشور و مدیریت کشور معین شد. این مجموعه ی نهادهای مدیریتی، دولت اسلامی است. در اینجا منظور از دولت، فقط قوه ی مجریه نیست؛ یعنی **مجموع دستگاه های مدیریتی کشور** که اداره ی یک کشور را برعهده دارند؛ نظامات گوناگون اداره کننده ی کشور. بخش بعد از آن، جامعه اسلامی است؛ که این، آن بخش بسیار مهم و اساسی است. بعد از آنکه دولت اسلامی تشکیل شد، مسئولیت و تعهد این دولت اسلامی این است که جامعه ی اسلامی را تحقق ببخشد. جامعه ی اسلامی یعنی چه؟ یعنی **جامعه ای که در آن، آرمانهای اسلامی، اهداف اسلامی، آرزوهای بزرگی که اسلام برای بشر ترسیم کرده است، تحقق پیدا کند.**

مقام معظم رهبری دامه مراحل انقلاب را در ۵ مرحله بیان می فرمایند که به شرح زیر می باشد:

حلقه اول؛ **انقلاب اسلامی** است، دوم؛ تشکیل **نظام اسلامی**، سوم؛ تشکیل **دولت اسلامی**، چهارم؛ تشکیل **جامعه ی اسلامی**، پنجم؛ تشکیل **امت اسلامی**. این یک زنجیره ی مستمری است که به هم مرتبط است.

منظور از انقلاب اسلامی - که حلقه ی اول است - **حرکت انقلابی** است؛ و آلا به یک معنا انقلاب شامل همه ی این مراحل می شود. اینجا منظور ما از انقلاب اسلامی، یعنی همان حرکت انقلابی و جنبش انقلابی که نظام مرتجع را، نظام قدیمی را، نظام وابسته و فاسد را سرنگون می کند و زمینه را برای ایجاد نظام جدید آماده می کند. حلقه بعد، نظام اسلامی است.

منظور من در اینجا از نظام اسلامی، یعنی آن هویت کلی که تعریف مشخصی دارد، که کشور، ملت و صاحبان انقلاب - که مردم هستند - آن را انتخاب می کنند. در مورد ما، مردم ما انتخاب کردند: **جمهوری اسلامی**.

سید طالب، با نگاه مقاومت حضرت زکریا علیه السلام شماره نهم

ملت رزمنده ایران با ایمان به خدا و وحدت کلمه، بر قدرت شیطانی عظیم که همه قدرتها پشتیبان آن بودند غالب شد، و دست همه ابرقدرتها را از کشور خود قطع کرد. امام خمینی (ره)

با توجه به سخنان مقام معظم رهبری ما در مرحله ی قرار داریم که هنوز دولت اسلامی به معنای واقعی محقق نشده است بنابراین برای عبور از این مرحله و رسیدن به مراحل بعدی باید موانع پیش رو را شناسایی کرده و آن را از میان ببریم.

بنابراین بهترین راه آسیب شناسی است و مقصود از آسیب شناسی انقلاب، شناسایی آن دسته از عوامل مهم و مؤثری است که شکل گیری و تداوم آنها می تواند فرایند تحقق اهداف و آرمانهای انقلاب را متوقف و یا به صورت محسوس کند نماید و همچنین نقطه ضعف ما در مقابل دشمن که نقطه ی آسیب پذیری ما محسوب می شود.

جامعه ی عادل، برخوردار از عدالت، جامعه ی آزاد، جامعه ای که مردم در آن، در اداره ی کشور، در آینده ی خود، در پیشرفت خود دارای نقشند، دارای تأثیرند، جامعه ای دارای عزت ملی و استغنائی ملی، جامعه ای برخوردار از رفاه و مبرای از فقر و گرسنگی، جامعه ای دارای پیشرفتهای همه جانبه - پیشرفت علمی، پیشرفت اقتصادی، پیشرفت سیاسی - و بالاخره جامعه ای بدون سکون، بدون رکود، بدون توقف و در حال پیشروی دائم؛ این آن جامعه ای است که ما دنبالش هستیم. البته این جامعه تحقق پیدا نکرده، ولی ما دنبال این هستیم که این جامعه تحقق پیدا کند. ( بیانات در دیدار دانشجویان کرمانشاه)

اما یکی از آسیب ها، آسیب فرهنگی است که آسیب شناسی فرهنگی به بررسی آفات و آسیب هایی می پردازد که رنگ و لعاب فرهنگی دارند، و عناصر شکل دهنده و سازنده عادات، رفتارها و کنش های رایج افراد یک جامعه را تحت تأثیر قرار می دهند این آسیبها، صرف نظر از میزان تخریب و خسارتی که به مسائل روبنایی فرهنگ یک ملت یا جامعه وارد می سازند، در متن فرهنگ اصیل ملت یا جامعه فرهنگی نیز آسیب وارد می کنند که نتیجه ی غم انگیز آن از بین رفتن هویت دینی، ملی جامعه مورد هجوم و تغییر کاملاً آشکار به سمت خواسته های دشمن می باشد که واقعیات آن در جامعه امروز ما کاملاً مشهود می باشد.

اما یکی از نقاط آسیب پذیری ما، **بعد اقتصادی** است که متأسفانه در کنار تغییر فرهنگ جامعه به سمت **اشرافی گری و مصرف گرایی**، خود را به شکل شکننده ای نشان داده است، و دشمن از همین نقطه ضعف، با ایجاد **تحریم های به اصطلاح فلج کننده**، سعی در به زانو درآوردن انقلاب اسلامی دارد.

۵- آسیبهایی که **مدیریت کلان نظام** اعم از رهبری و قوه مجریه، مقننه و قضاییه را تهدید می کند.

و این ها مواردی است که بر همه ی کسانی که عاشقانه انقلاب را دوست دارند باید مورد توجه و بررسی قرار گیرد تا نقطه آسیب پذیری را به خوبی شناسایی کرده و قدم های محکمی در رفع آن بردارند. البته نکته کلیدی را باید در منویات حکیمانه امام خامنه ای (عج) جستجو کرد و با عملیاتی کردن سخنان معظم له، جاده ی ناهموار پیش رویمان را هموار ساخته و افق روشنی را برای انقلابمان ترسیم نماییم.

اما آسیبهایی که انقلاب اسلامی در ابعاد مختلف با آن روبروست، بدین شرح است:

۱- به اعتبار **مراحل مختلف شکل گیری** در سه مرحله نفوذ، استحاله و براندازی.

۲- بر مبنای **مراحل شکل گیری انقلاب و نظام اسلامی** مانند: آسیبهای مبنایی و تئورژیک و نظری، آسیب های ساختاری و آسیب های فرایندی.

۳- به اعتبار **اصناف و اقشار مورد تهدید**، مانند آسیب هایی که روحانیت، دانشگاهیان، روشنفکران، نیروهای مسلح، نهادهای انقلابی و دولتی را تهدید می کند.

۴- به اعتبار **موضوعات عام و کلی** مانند آسیبهای فرهنگی، (مراکز علمی و تبلیغی و مطبوعاتی) اقتصادی، سیاسی، احزاب و نهادهای سیاسی، اجتماعی، نظامی و امنیتی.

حکیمه شعبانی

وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ تَفَرَّقُوا وَاخْتَلَفُوا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْبَيِّنَاتِ وَأُولَئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ.

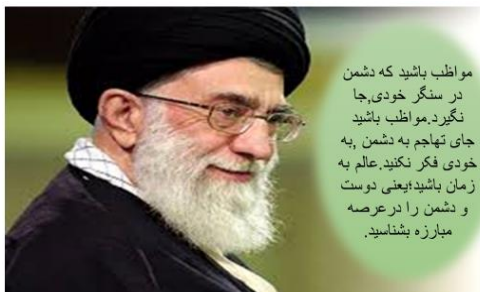
سوره آل عمران/ ۱۰۵

"ما با مسلمین اهل تسنن یکی هستیم؛ واحد هستیم که مسلمان و برادر هستیم. اگر کسانی کلامی بگویند که باعث تفرقه بین ما مسلمانها بشود، بدانید که یا جاهل هستند یا از کسانی هستند که می‌خواهند بین مسلمانان اختلاف بیندازند. قضیه شیعه و سنی اصلاً در کار نیست، ما همه با هم برادریم." (صحیفه امام، ج ۶، ص ۱۳)

مقام معظم رهبری در تاریخ ۸۱/۱/۱۷ در دیدار کارگزاران نظام می‌فرمایند:  
"دنیای اسلام اگر بخواد حرکت عمیق امت اسلامی را در جهت پیروزی، به درستی پیش ببرد، الزاماتی را باید قبول کند، که اولین این الزامات، «اتحاد» است؛ به جان هم انداختن برادران، یکی از نقشه‌های اولی استکبار است؛ **تفرقه بینداز و حکومت کن**، یک سیاست قدیمی است؛ همه هم گفته‌ایم، همه هم می‌دانیم، در عین حال، بعضاً متأسفانه همین سیاست دشمن را به خاطر تبعیت از اهواء نفسانی، به خاطر تحلیلهای غلط، به خاطر کوتاه‌بینی‌ها، به خاطر ترجیح دادن منافع شخصی یا منافع کوتاه مدت بر منافع بلند مدت، دنبال می‌کنند."

**اتحاد و انسجام اسلامی** یکی از ضروری ترین مسائل مسلمانان در بُعد داخلی و خارجی است و هیچ گونه منافاتی با اصول مذهبی ندارد. آنچه مسلم است دشمنان و بدخواهان بیکار ننشسته و با آتش افروزی های مداوم و صد چهره خود، و خطرناک تر از همه پاشیدن بذر اختلافات مذهبی در ابعاد گوناگون آن، سعی در مغشوش کردن فضای معاصر در دنیای اسلام و تیره کردن روابط بین مسلمانان و چیدن میوه مطلوب خود را دارند.  
حضرت امام (ره) در پیام خود در تاریخ ۲۳ بهمن ۵۷ یعنی یک روز بعد از پیروزی انقلاب اسلامی و در اوج مسایل متعدد و پیچیده آن روزها به این امر اساسی چنین اشاره دارند:

به تعبیر دیگر اختلافات مانع از اخوت اسلامی و وحدت صفوف مسلمین در برابر دشمنان نیست. از این رو معنای اتحاد شیعه و سنی **دست برداشتن و کوتاه آمدن از اصول و اعتقادات خویش نیست**؛ این نیست که شیعه یا سنی، عقاید یکدیگر را قبول کنند؛ نه! هر کسی عقیده ی خودش را دارد،



مسئله این است که اصحاب عقاید مختلف، بایستی به وسوسه ی دشمن گوش نکنند، به جان هم نیفتند، با هم دشمنی نکنند و نسبت به هم کارشکنی نکنند و در عین وجود اختلافات، زمینه **تعامل و جهت گیری یکسان** در مسائل کلی و بین المللی در میان آنها وجود داشته باشد. " ۸۵/۱۰/۲

ایشان هم چنین می فرمایند:

"چگونگی اتحاد و انسجام مذهبی، مسأله دوستی با دوستان اهل بیت (علیهم السلام) و دشمنی با دشمنان آنان، **منافاتی با وحدت اسلامی بین شیعه و سنی ندارد**؛ زیرا چنان نیست که اهل تسنن از دشمنان اهل بیت (علیهم السلام) باشند. بلکه بسیاری از آنان به حکم آیه شریفه «**قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجراً إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى** - شوری ۲۳» دوستی و مودت اهل بیت (علیهم السلام) را واجب می شمارند. لازم به تذکر است که دوستی با خاندان عصمت و طهارت مراتبی دارد، ولیکن از امتیازات شیعه آن است که با تمام ابعاد به این دستور الهی جامه عمل پوشانده است. منظور از وحدت شیعه و سنی، کنار گذاشتن مسائل اختلافی و تکیه بر مشترکات و مبنا قرار دادن آنها در تعامل با یکدیگر و در مسائل مربوط به جهان اسلام و صحنه بین المللی است. به گونه ای که مسلمانان فارغ از اختلافات و با پرهیز از تفرقه در مسائل جهان اسلام هم سو و هم جهت حرکت کنند.

سیح طالع، پایگاه مقاومت حضرت زکریا علیه السلام شماره نهم

انقلاب اسلامی به عنوان تنها مظهر حق در سراسر کره زمین، در رودر روی کامل با مظاهر شیطان است. شهید آوین، کتاب گنجینه آسمان.

آنچه مشخص است اینکه آمریکا و انگلیس، تمام هجمه های خود را علیه اسلام به کار برده اند، اما آنها به خوبی بر این امر واقف هستند که تا زمانی که انسجام و وحدت میان مسلمانان جهان باشد، نمی توانند موفق شوند، از همین رو، با توجه به ناتوانی در اقدام نظامی، به توطئه جدید «تهدید نرم» روی آورده اند. سیاست اصلی آمریکا در شرایط فعلی تهدید نرم از طریق ایجاد بی ثباتی و بحران سازی در داخل و دامن زدن به گسسته های قومی و مذهبی و ایجاد اختلاف میان قومیت ها، مذاهب و نژادهای مختلف مسلمان است.



یکی از جریاناتی که در دو سه سال اخیر در این راستا قوت گرفته و در حال رشد و نمو است، جریان جعلی شیعه نمایی است که با شعار شیعه انگلیسی به دنبال: **اختلاف بین ملت ایران، و اختلاف بین ملت ایران و ملت های دیگر مسلمان** است. البته بعضی از افراد آگاهانه و هوشیارانه توطئه را فهمیده اند، بعضی هم ممکن است اشتباه کنند و در دام این توطئه ای امریکایی - انگلیسی بیفتند. در این جریان که یکی از بسترهای رشدش را از طریق هیأت های مذهبی دنبال می کند، غیرمعقولانه و بدون نگاه به مکان و زمان و بدون توجه به مسائل جاری در جهان اسلام، به اشاعه بدعت هایی می پردازد که نتیجه آن جز کشتار مسلمانان بی گناه نیست.

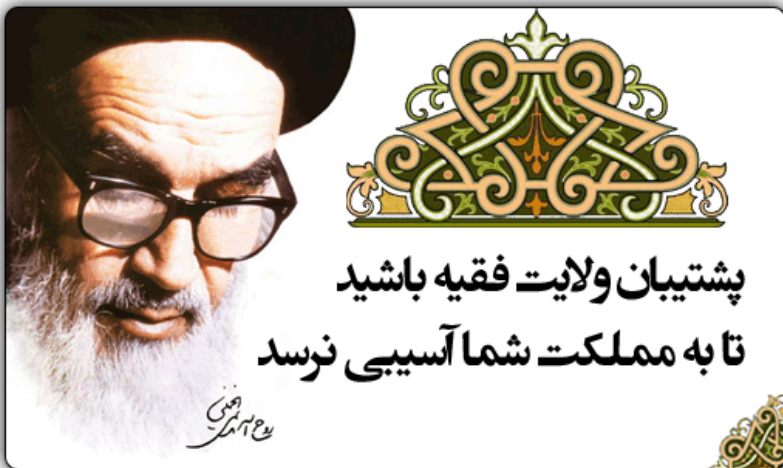
ایجاد شبکه‌های ماهواره ای متعدد، امپراطوری اینترنتی، مراکز وسیع آموزشی در کشورهای مختلف اسلامی و توزیع پول‌های کلان، برخی اقدامات این جریان است. این جریان با وجود اینکه ادعای حمایت و دستگیری از تمام شیعیان و مُحَبِّان اهل بیت را دارد، اما در ماجرای سوریه کوچک ترین اظهار نظری نکرده است. حتی زمانی که دشمن در صدد تخریب مرقد مطهر حضرت زینب علیها السلام بود، هیچ عکس العملی نشان نداد. راهکار این فرقه در جذب هیئات مذهبی تأکید بر هیأت غیرسیاسی است. دلیلی که این جریان بر این مسأله اقامه می کند، این است که مردم عادی با بیان مسائل سیاسی از هیأت فرار می کنند؛ ولی این فرقه در اصل، به دنبال ایجاد شکاف بین هیأت ها و نظام اسلامی است.

"**دکتر تیجانی**" درباره نقش سرویس جاسوسی انگلستان در ایجاد تفرقه و خرافه پراکنی در مذهب تشیع می‌نویسد:

«شمشیرهایی که در گذشته شیعیان آن را در برابر **ظالمان** بلند می‌کردند، امروز برای **زدن به سرهای خود**، از آن استفاده می‌کنند، تا جایی که انگلیسی‌ها مقدار زیادی شمشیر، در میان دسته‌های عزاداری در کربلا، تقسیم می‌کنند.»

بنابراین آنچه در این جهت بر دانشمندان مصلح و خیرخواهان در دنیای اسلام ضرورت دارد، تأسّی به سیره نظری و عملی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و امامان معصوم علیهم السلام در ایجاد و توسعه و ماندگاری اساسی ترین عامل، یعنی وحدت در جهان اسلام است.

سعیده رحمانیان



هنگامی که «ولایت مطلقه فقیه» در رأس حکومت قرار می‌گیرد، هر آنچه از اختیارات و حقوقی که برای حکومت لازم است برای او وجود دارد که البته این اختیارات محدود به ضوابطی است که از طرف شرع بیان شده است و بدون ضابطه نیست. این مسئله در سایر حکومتها نیز وجود دارد، یعنی شخص حاکم امکان استفاده از تمامی اختیارات ضروری و لازم را برای اداره حکومت را دارد و الا نباید اداره کشور را به طور تمام و کمال از او انتظار داشت.<sup>۱</sup>

«اطلاق» در ولایت مطلقه فقیه به معنای فقدان قید، مفهومی در مقابل «تقید» دارد و اطلاق ولایت فقیه در چند ناحیه است:

(۱) در ناحیه **کسانی که بر آنها ولایت دارد** - مولی علیهم - در این ناحیه ولی فقیه بر یکایک افراد جامعه اسلامی از مسلمان و غیرمسلمان، مجتهد و عامی، مقلدان خودش و... و بلکه بر خودش ولایت دارد و اگر حکمی کند که بر طبق موازین باشد باید همگان، حتی سایر فقها و بلکه خودش آن را رعایت و به آن عمل کنند.<sup>۲</sup>

۲) **اطلاق مکانی:** بدان معنا که محدوده ولایت «فقیه» به هیچ حد و مرز جغرافیایی مقید نمی‌شود و هر کجا که بشریت زیست می‌کند دایره ولایت ولی فقیه گسترده است.<sup>۳</sup>

۳) **اطلاق موضوعی:** بدان معنا که موضوعات ولایت ولی فقیه تا آن جا گسترده است که ولایت دین بر جامعه سایه افکند. ولایت او بر کلیه روابط و ساختارهای "سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی" جامعه جاری است و هیچ شأنی از شؤون اجتماعی جامعه نمی‌باشد که ولایت او در آن محدوده جاری نگردد چنین شکل و گستره‌ای از ولایت اجتناب ناپذیر است.<sup>۴</sup>

رهبر کبیر انقلاب امام خمینی(ره) در این رابطه می‌فرمایند: «اصل این است که فقیه دارای شرایط حاکمیت - در عصر غیبت - همان اختیارات وسیع معصوم را داشته باشد، مگر آن‌که دلیل خاصی داشته باشیم که فلان امر از اختصاصات معصوم است.»<sup>۵</sup>

«کلیه امور مربوط به حکومت و سیاست که برای پیامبر و ائمه علیهم‌السلام مقرر شده، در مورد فقیه عادل نیز مقرر است و عقلاً نمی‌توان فرقی میان این دو قائل شد.»

سؤال: آیا مطلق بودن "ولایت فقیه" به استبداد و دیکتاتوری نمی‌انجامد؟

در این باره چند مطلب گفتنی است:

۱- ولایت مطلقه فقیه از **قواعد رافع تراحم** است؛ یعنی، مطلق بودن ولایت گره گشا در تراحم احکام و مصالح اجتماعی است؛ و نشانه واقع‌نگری اسلام در برخورد با مقتضیات زمان است.

۲- ولایت مطلقه خود، **مقید به قیودی** است نه اینکه از هر حیث مطلق باشد. این قیود عبارت از این است که:

الف) او باید **مجری احکام الهی** باشد و حق ندارد خودسرانه و دلخواهانه عمل کند؛ بلکه این فلسفه اصلی ولایت فقیه است؛ ب) مصالح جامعه را باید رعایت کند؛ ج) در زمانی می‌تواند حکم اولی شرعی را موقتاً تعطیل کند که با یکی از مصالح اهمّ جامعه، در تراحم باشد؛ نه با خواست و میل یا مصلحت شخصی، و یا مصلحتی در رتبه فروتر از حکم اولی شرعی.

یادبود دهه فجر، خود مانع بزرگی در راه تحقق هدف (دشمنان) است. سعی میکنند انقلاب را از یاد مردم ببرند؛ اما دهه فجر، انقلاب را به یاد مردم می‌آورد. سعی میکنند امام را از یاد مردم ببرند؛ اما دهه فجر، تجسم اراده و عظمت امام بزرگوار ماست.

امام خامنه‌ای ۸۰/۱۱/۳



اکنون اگر واقع‌بینانه بنگریم، در خواهیم یافت که «ولایت مطلقه» -یکی از مهم‌ترین راه‌حل‌هایی است که اسلام برای خروج از بن بست‌ها در عرصه تزاخم مصالح پیش‌بینی کرده و بدون آن عملاً حکومت، با مشکلات بسیار زیادی رو به رو خواهد شد. از طرف دیگر این مقدار از اختیارات در هر حکومتی وجود دارد؛ بلکه حاکمان دیگر کشورها از اختیاراتی بسیار بیشتر از اختیارات ولی فقیه بهره‌مند می‌باشند.

از آنچه گذشت روشن می‌شود که «مطلقه بودن» به معنایی که ذکر شده، هیچ پیوندی با «دیکتاتوری و استبداد» ندارد. آنچه موجب توهم دیکتاتوری شده، تشابه لفظی «ولایت مطلقه» با "رژیم‌های مطلقه" (Absolutist) است که در آن حاکم مطلق العنان می‌باشد. در حالی که مطلقه در معنای فوق، اساساً با آن متفاوت است. از این رو حضرت امام خمینی(ره) فرمودند: "ولایت فقیه ضد دیکتاتوری است".

بنابراین مفهوم استبداد یا خودسری، به میل خود یا به ضرر مردم تصمیم گرفتن، مطلقاً در معنای ولایت اسلامی نیست.

ولایت فقیه

بنا بر چیزی است که عبادی تبارک و تعالی در دست کرده است. همان ولایت، رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم است.



پی نوشت ها:

- ۱- مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام (ره) سال نشر ۷۳، امام خمینی، ولایت فقیه، ص ۵۷، ۵۶، ۶۵، ۶۴. آیت الله جوادی آملی، ولایت فقاقت و عدالت ص ۲۵۶ و ۴۶۳ نشر اسراء، سال چاپ ۷۸. ناشر وزارت فرهنگ و ارشاد سازمان چاپ و نشر، سال ۱۳۶۸ کتاب البیع امام خمینی، ج ۲، ص ۴۶۴. آیت الله مصباح نگاه‌ی گذرا بر نظریه ولایت فقیه، ص ۱۰۵-۱۲۰، ناشر مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی(ره) چاپ دوم.
- ۲- هادوی تهرانی، ولایت فقیه، ص ۱۲۹، کانون اندیشه جوان، ص ۳۷۹.
- ۳- پیروزمند علیرضا، نظام معقول، ص ۲۰۳. سیدمنیرالدین هاشمی «جزوات ولایت فقیه» ۲ و ۷ و ۴۰۹.
- ۴- همان ۵.
- ۵- امام خمینی، ولایت فقیه، ص ۵۶ و ۵۷، امام خمینی، شؤون ولایت فقیه، ترجمه البیع، ص ۳۵. منبع: مرکز مطالعات و پاسخ‌گویی به شبهات حوزه علمیه قم.



## فاطمه توحیدی

آنچه می توان به عنوان علل و عوامل شکل گیری انقلاب مورد بررسی قرار داد در نگرش های جدید مطالعات انقلاب می توان به رویکرد تلفیقی و ترکیبی «از نظریه اراده گرایانه و ساختار گرایانه» از آن نام برد. در واقع می توان گفت که مجموعه ای از شرایط ساختاری و ارادی در سالیان سال دست به دست هم داد تا شرایط برای وقوع و تحقق انقلاب فراهم شود که ما در این مقاله بدان اشاره خواهیم کرد.

## الف) علل ساختاری رخداد انقلاب اسلامی در ایران

### ۱. ساختار سیاسی متصلب

ساختار سیاسی ایران در بسیاری از دوره های تاریخی از جمله قاجار و پهلوی، ساختاری استبدادی و اقتدارگرا بوده و نظام سیاسی در دوره پهلوی ادامه ی نظام اقتدارگرایانه قاجار می باشد که تنها ماهیت نیروها با توجه به شرایط جدید تغییر کرده است. در دوران پهلوی اول علی رغم اینکه اقدامات به اصطلاح بنیادی در راستای توسعه یافتگی صنعتی اداری و نظامی انجام شد، لکن در زمینه توسعه سیاسی، نه تنها مخالفان خود را به عقب راندند بلکه کسانی را هم که در به قدرت رسیدن ایشان نقش اساسی داشتند از راههای مختلف (اعدام، تبعید، خانه نشین کردن) از صحنه سیاست خارج نمود که نمونه بارز آن می توان به تبعید و در نهایت شهادت آیت اله مدرس اشاره کرد و بدین ترتیب تمام قدرت و اختیار حکومت را در دست خود متمرکز کردند.

ما با دست خالی بر این قدرت فوق العاده شیطانی، که همه قدرتها دنبال او بودند، غلبه کردیم.  
امام خمینی (ره)



## ۲. ساختار ناموزون اقتصادی

ساختار اقتصادی ایران به تدریج از زمان صفویان تا زمان قاجار از اقتصادی خودکفا به اقتصادی وابسته تحول پیدا کرد. از جمله عوامل مؤثر بر این تحولات نفوذ استعمارگران در ایران، جنگ ایران با روسیه و انگلیس، قراردادهای سیاسی و اقتصادی با این کشورها از یک سو و ضعف و ناکارایی سیستم سیاسی و استبداد و فساد دولت مرکزی در ایران از سوی دیگر دانست. این وضعیت منجر به عقب ماندگی و **ناکارایی ساختار اقتصادی** در ایران شد. افزایش وابستگی ایران به نظام جهانی به خصوص آمریکا، و به ویژه با دادن امتیازات خاص به آنان در کنار تک محصولی شدن و وابستگی شدید به نفت در سال-های ۴۲-۵۷ نقش مهمی در ناموزونی اقتصادی داشت که این مسئله زمینه را برای ناکارایی سیستم اقتصادی و در نهایت افزایش نارضایتی از وضعیت موجود موجب گردید و بر رخداد انقلاب در ایران اثر خود را برجا گذاشت.

هر چند برکناری رضاشاه از قدرت در سال ۱۳۲۰ و روی کار آمدن پهلوی دوم چشم اندازهایی را مبنی بر تحول در وضعیت موجود ارائه داد، اما محمدرضا شاه نیز خود دست نشاندہ‌ای که حافظ منافع غرب و آمریکا بود، محسوب می‌شد. به خصوص بعد از کودتای ۲۸ مرداد جو امنیتی خاصی بر فضای سیاسی ایران حاکم شد به نحوی که کوچکترین اعتراضی به طور وحشیانه پاسخ داده می شد و شاه عملاً به عنوان **نوکر حلقه به گوش آمریکا** از هیچ اقدامی در جهت کسب رضایت اربابان خود کوتاهی نمی‌کرد که از نمونه-های بارز آن می توان به جریان **کاپیتولاسیون** اشاره کرد.

### ۳. ساختار فرهنگی و تحولات آن

ایرانی مسلمان تلاش می کرد تا بعد از پذیرش اسلام، ابعاد مختلف زندگی خود را بر اساس این چهار چوب معنی کند و به دنبال افزایش میزان انطباق فرهنگ، آداب و رسوم بومی با اسلام بود. در دوران پهلوی ساختار فرهنگی اجتماعی کشور به تدریج به جای تأکید بر نوعی توازن بین مؤلفه‌های فرهنگی به سمت دو قطبی میل پیدا کرد و این امر با تأکید بر قرائت‌های خاصی از تجددگرایی و شبه مدرنیسم تشدید شد. در این قرائت خاص از تجدد که قرائت حاکم در دوران پهلوی محسوب می شد، **حذف فرهنگ بومی** به عنوان فرهنگ سنتی و جایگزین کردن آن با **فرهنگ به اصطلاح مدرن غربی** مهم‌ترین اولویت کاری تجددگرایان بود.

### ژان لوروریه، روزنامه‌نگار فرانسوی

می‌نویسد:

«اگر در کوچه و خیابان از ایرانیان پرسید که چرا رژیم شاه را مورد انتقاد و سرزنش قرار می دهند و جواب آن‌ها را جمع کنید، **فساد و انحطاط اخلاقی رژیم** در ردیف اول پاسخ آن‌ها خواهد بود.»

(ایران بر ضد شاه؛ ژان لوروریه و احمد فاروقی ترجمه مهدی نراقی، انتشارات امیرکبیر)

دهه‌ی فجر، در حقیقت مقطع رهایی ملت ایران و آن بخشی از تاریخ ماست که گذشته را از آینده

جدا کرده است.

امام خاмене‌ای ۶۹/۱۰/۱۱

با این اقدامات بین طبقات نوین، الگوی مصرف خاصی رایج شد که با طبقات سنتی متفاوت بود. این گروه با سفرهای متعدد به خارج از کشور، تکلم به چند زبان، تحصیل در دانشگاههای اروپا و آمریکا، استفاده از سرگرمی‌ها و شیوه زندگی متفاوت، استفاده از رفتارهای غیر متعارف در جامعه سنتی ایران از قبیل: روابط آزاد زن و مرد، روابط جنسی آزادتر، پوشاک غربی، مصرف نوشابه الکلی، استفاده از موسیقی و هنر غربی و بی اعتنایی به ارزشهای مذهبی؛ قشر جداگانه ای را در کشور تشکیل داده بودند به طوری که مردم، حکومت را عامل شکل گیری این گروه و ترویج رفتارهای آنان می دانستند و درباریان را باعث و عامل فساد در جامعه قلمداد می کردند.



**اشرف در قاچاق مواد مخدر** نیز شهرت جهانی یافته بود. فردوست معتقد است: «اشرف قاچاقچی بین المللی و به طور مسجل عضو مافیای آمریکاست». فردوست به عنوان مسئول دفتر ویژه اطلاعات مدعی است "اشرف هر جا که می رفت در یکی از چمدان هایش هروئین حمل می کرد و کسی جرأت نمی کرد آن را بازرسی کند".

در بسیاری از کشورها علل ساختاری به وقوع پیوسته اما منجر به رخ دادن انقلاب نشده است. اینجاست که به ضرورت ضمیمه شدن علل ارادی-که شتابزا نیز می اشد- در رخ دادن انقلاب پی می بریم:

۱. ظهور شخصیتی همچون امام خمینی (ره) به عنوان **رهبر جامعه**؛

۲. مذهب تشیع به عنوان **ایدئولوژی انقلاب اسلامی**؛

۳. حرکت مردمی و **بسپج عمومی** در انقلاب اسلامی.

و انقلاب اسلامی ایران توانست به رهبری امام خمینی (ره) و با حرکت و اتحاد همه اقشار جامعه در اطاعت از رهنمودهای ایشان به لطف خداوند مَنان در بیست و دوم بهمن ۵۷ به پیروزی رسد.

می توان حرکت هایی را در برخی کشورها مثال زد که به سبب **فقدان یکی از عوامل ارادی**، سالیان سال است که منجر به وقوع انقلاب و پیروزی در آن سرزمین نشده است، از جمله نداشتن رهبری چون امام خمینی (ره) در مبارزات مردم دیگر کشورها، و فقدان مذهبی چون تشیع به عنوان ایدئولوژی در حرکت های مردمی کشور که سنی مذهب هستند. اگر مردم، حاضر در صحنه و حامی انقلاب و رهبر نباشند به نتیجه رسیدن چنین انقلابی تقریباً امر محالی به نظر می رسد که ما شاهد فقدان هر یک از این علل در برخی کشورها و عدم وقوع انقلاب یا به شکست منجر شدن و به انحراف رفتن انقلاب در آن مناطق هستیم.

ما باید بفهمیم چرا پیروز شدیم، این «چرا» را اگر فهمیدیم، آن وقت باید کوشش کنیم که

همان چیزی را که ما را پیروز کرده حفظش کنیم . امام خمینی (ره)

عادلہ رنجبر

مدتی است که زمزمه ی رفع حصر از طرف برخی جریانات و اشخاص و رجل سیاسی به گوش می رسد که سران فتنه باید مورد عفو اسلامی قرار گرفته و رأفت اسلامی شامل حالشان شود، با این مضمون که: همان گونه که پیامبر ﷺ، وحشی، و امام حسین (علیه السلام) حر را بخشیدند، سران فتنه هم مورد بخشش قرار گیرند! ما در این نوشتار این موضوع را "که آیا سران فتنه قابل بخشش هستند؟" مورد بحث و بررسی قرار می دهیم.

گروه اول که گروه دوم هم در درونشان رخنه کرده بود، در روند حوادث انتخابات به سرعت در مسیر طراحی شده ی گروه دوم قرار گرفتند به نحوی که به **پیاده نظام دشمن در جهت براندازی نظام** تبدیل شدند.

در انتخابات ۸۸ دو گروه در مقابل نظام قرار گرفتند، گروهی که سودای ریاست جمهوری و دستیابی به قدرت را در سر می پرورانید، و گروهی دیگر کسانی بودند که از پیروزی انقلاب به بعد تمام همت و تلاش خود را در جهت براندازی این انقلاب به کار بستند و باز هم مترصد فرصتی بودند که برنامه سرنگونی را اجرایی نمایند.

شاهد ادعای ما اسناد و اطلاعاتی است که نشان می دهد **آمریکا و انگلیس و رژیم جعلی صهیونیست و سلطنت طلبان** و به طور کلان جبهه ی کفار، پشتیبانی و حمایت همه جانبه ی خود را از **فتنه گران** انجام دادند.



مروری بر ماجرای توبه ی جناب حر به خوبی نشان می دهد که ایشان نه تنها مسیر خود را تغییر دادند و قصد حضور در سپاه ابا عبدالله (علیه السلام) کردند، بلکه در این زمینه با عمر سعد به مجادله پرداخته و پس از آنکه از تغییر مسیر آنها ناامید شدند شخصاً مسیر توبه را در پیش گرفته و در رکاب امام حسین (علیه السلام) شهد شهادت را نوشید.

این در حالی است که آنان نه تنها به سخنان دلسوزانه ی رهبری توجه نکرده بلکه خود به یک دشمن تمام عیار تبدیل شدند و تمام قوای خود را در جهت براندازی به کار بستند و در این راه نامبارک از هیچ اقدامی فروگذاری نکردند.

در مورد "وحشی" که مورد عفو پیامبر ﷺ واقع شد، وی برده ای بود که از فرمان مالک خود پیروی می کرد؛ و با اظهار ندامت و پشیمانی و اسلام آوردن، مورد عفو پیامبر ﷺ واقع شد و اگر یک فرد آزاد بود، رفتار پیامبر ﷺ با او کاملاً فرق می کرد.

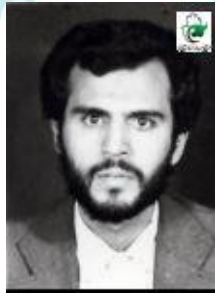
اگر سران فتنه واقعاً حر صفت بودند هنگامی که رهبر انقلاب در خطبه - های نماز جمعه ۲۹ خرداد ۸۸ سخنرانی کردند و حجت را بر همه تمام کردند، نسبت به اشتباه خود متنبه و از اردوگاه دشمن بیرون می آمدند و می فهمیدند که در راستای اهداف دشمنان قسم خورده ی نظام حرکت می کنند و مانند بسیاری از افراد که متنبه شده و راه خود را از جریان فتنه جدا کردند، آنها هم توبه کرده و باز می گشتند و قطعاً انقلاب و رهبری با آغوش باز آنها را می پذیرفت و مردم هم آنان را می بخشیدند.



البته باید گفت که در مورد سران فتنه هنوز مجازاتی برای آنها صورت نگرفته چرا که دادگاهی تشکیل نشده است و این حصر تنها اقدام تأمینی با هدف تأمین امنیت جامعه صورت پذیرفته است که اگر چنین می شد و دادگاهی در مورد آنها تشکیل می شد آنان به خاطر جرایمی همچون ایجاد آشوب، اغتشاش، ناامنی، آسیب و تخریب اموال عمومی و شخصی، بر هم زدن آرامش اجتماعی، و با ایجاد فضای غبارآلود و پر از کینه و دشمنی و اختلاف و به خطر انداختن اصل نظام و در واقع به عنوان مفسدین فی الارض به اشد مجازات محکوم می شدند.

البته جای سؤال است آیا کسانی که تا کنون اظهار ندامت و پشیمانی از اعمال خویش نکرده و با انقلاب و مردم طلبکارانه برخورد می کنند، آیا بیم آن نمی رود که دوباره مرتکب خیانت به ایران اسلامی نشوند؟! آیا چنین افرادی به راستی قابل گذشت هستند!!!

الهام رنجبر



شهید طلبه عبدالحی صدوق

شهید عبدالحی در غروب روز یکم مرداد ماه سال ۱۳۷۹ در خانواده اسر مذهبی چشم به جهان گشود. البته ایشان با برادرش محسن دوقلو بودند. در این خانواده علاوه بر عبدالحی برادر دیگرش محمد، از جمله اولین شهدای جنگ تکمیل در جهرم بود. زفانی که محمد به شهادت رسید، عبدالحی هم به شدت زخمی شد و به توفیق پزشک باید برادر مدثر استراحت می کرد، اما در در حالی که دوره درمان هنوز پایان نیافته بود، دوباره عازم جبهه شد. از لحاظ روحی و معنوی، شهید فردی مؤمن و معتقد بود، در جلسات اگر کوچکترین بهتر از غیبت یا تمتع پیش می آمد، طرف مقابل را قانع می کرد که دست از این عمل بردارد و اگر هم نمی توانست از آن مجلس خارج می شد. از سن هفت سالگی نماز و روزه را آغاز کرد. از استعداد و هوش بالایی برخوردار بود. ایشان تحصیلات خود را در رشته ریاضی در دبیرستان خوابه نصیر به اتمام رساند و همان سال در دانشگاه اصفهان قبول شد؛ و بعد از مدتی دانشگاه را رها کرده و به جهرم بازگشت و تحصیلات خود را در حوزه علمی اقام خمینی (ره) شروع کرد. شهید به خاطر کسری یا چیزی یا پست و مقامی به جبهه نرفت و دعا می کرد به گونه ای به شهادت برسد که جنازه اسر هم از او باقی نماند. و سرانجام در عملیات کربلا ۴ به آرزوی دیرینه خود دست یافت و به فیض شهادت نائل آمد. روحش شاد یادش گرامر باد.

و صحبت نام شهید بزرگوار "عبدالعزیز صدوق"

بسم الله الرحمن الرحيم "کل نفس ذائقة الموت." به راستی مرگ حق است و هم ما چه بنفواheim  
چه بنفواheim به استقبال مرگ می رویم، اما چه بهتر که با اراده خویش مرگ در راه خدا و عقیده را  
انتخاب کنیم که این مرگ شهادت است که نصیب هم کس نمی شود. آخر وقت می توانی لیاقت  
شهادت کسب کرد که از هم تعلقات دنیا بر فانی شویم و خود را از زنجیرها برهانیم. "إِنَّ اللَّهَ  
أَشْرَفُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ أَنْفُسُهُمْ وَأَمْوَالُهُمْ بِأَنْفُسِهِمْ الْجَنَّةُ". چه خوب معامله اوست که خدا مشتری  
جانش و مال مؤمنین ایثارگر باشد و بهایش را بهشت دهد. من از خدا بزرگتر می خواهم که شایسته گری  
شهید شدن به ما عطا کند تا اگر زندگی این دنیا به خدمت به دین او نرود، لاف و لغو باشد بتواند عامل  
هر چند جزئی برابر حفظ و تداوم انقلاب اسلام باشد. خانواده عزیزم! بدانید که زندگی در این جهان  
فانده سفر است که سرانجام به پایانش می رسد؛ یک مسلمان باید تا می تواند در این سفر توفیق برابر  
بازگشت به سوی خالق یکتا جمع آورد کند. آیا توفیق آخرت جز خدمت به اسلام و مسلمین و  
مظلومین چیز دیگر است و آیا بهترین خدمت به اسلام بذل جان و مال نیست؟ در عصر ما که عصر  
غیبت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه است و نائب بزرگوارش خمینی رهبر بت شکن، صحبت برابر مسلمین و به  
خصوص برابر منتظران قیام پیروز مهدی موعود است، باید با تمام توان از راه و عقیده او حمایت  
کنیم.

امت مسلمانی و پیرو ولایت فقیه! با حضور دائم خود در صحنه نگذارید شیطان بزرگ آدمی را بکشتن و  
استعمارگرانش شرق و غرب و ایام فرودشان که به هم شکل از جمله در لباس دوست در می آیند، در  
صف متحده شما نفوذ کنند و بدانید نفوذ اساس آنها در اندیشه و فرهنگ شهادت. والسلام.